



# خط مقدمی

به وسعت

ت  
زن دگی

+ به همراه  
مصاحبه‌ای خواندنی

خشونت خانگی  
توهم یا واقعیت؟



دکتر مریم اردبیلی



# فهرست

- ۱ ..... سخن سردبیر
- ۲ ..... جهش تولید در جبهه ای زنانه
- ۳ ..... بانوی تراز
- ۵ ..... خشونت خانگی، توهم یا واقعیت؟! .....
- ۹ ..... در خانه با خانواده بمانید .....
- ۱۱ ..... آنسوی زندگی مشترک .....
- ۱۳ ..... تلنگر؛ بچه ها چگونه الگو میگیرند؟ .....
- ۱۵ ..... مادری که به حسینش پیوست .....

فاطمه سادات مرتضوی  
ورودی ۹۷ مهندسی پزشکی

با نگاهی به گذشته می توانیم ببینیم که بانوان علاوه بر نقش کلیدی مادری و همسری که در خانه داشتند به آنان فقط به عنوان مصرف کننده نگاه نمیشد و بسیاری از نیازها و احتیاجات خانواده را برطرف می کردند و نگاه اقتصادی برای زنان خانه وجود داشت و گاهی این فعالیت ها مختص به اعضای خانواده نبود و در کنار آن بحث فروش و درآمد هم داشتند. اما اکنون وقتی به زندگی اکثر بانوان می نگریم با شهری و مدرن شدن شهرها، زندگی آنها هم دچار تغییر شده و حتی این تغییر بیش از تغییرات زندگی آقایان است. ولی سوال اینجاست که آیا میتوان باز هم با روندی که در گذشته بود زندگی کنیم؟ یا باید کارهای تولیدی را فقط به دست آقایان بسپاریم و بانوان را در این زمینه وارد نکنیم؟ همانطور که مشاهده می شود، شعارهای چند سال اخیر که توسط رهبر معظم انقلاب انتخاب میشوند هر ساله دربرگیرنده مسائل اقتصادی است: «رونق تولید»، «اقتصاد مقاومتی»، «تولید و اشتغال»، «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»، «جهش تولید».

آنچه مسلم است این نامگذاری ها مربوط به همه مردم جامعه بوده و هرکس باید با توجه به توانایی ها و استعداد هایی که دارد در جهت پیشبرد این اهداف تلاش کند. از طرفی دوگانه خانم دار یا شاغل که این روزها در جامعه رواج دارد یک دوگانه درست و بر طبق نظر اسلام نیست همانطور که رهبر انقلاب می فرمایند: «اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است؛ بلکه کار را تا آن جا که مزاحم با شغل اساسی و مهم ترین شغل او؛ یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد؛ شاید لازم هم می داند. یک کشور که نمیتواند از نیروی کار زنان در عرصه های مختلف بی نیاز باشد.» اما برای اشتغال بانوان باید تمهیداتی اندیشیده شود، برای مثال تعدادی از قوانین باید تسهیل شود و یا بستر هایی برای شغل های پاره وقت از جمله نویسندگی، تدریس و طراحی و... ایجاد شود که نه به رشد بانوان لطمه بزند و نه ایرادی به آن کار وارد شود. مسئله دیگر آن است که در خانواده هم باید برخی از فرهنگ ها اصلاح و تبیین شود و این همکاری و همدلی در اعضای خانواده برای رشد همه اعضای آن وجود داشته باشد که زن نیز بتواند تمام استعداد های خود را به ظهور برساند.

مسئله دیگر این است که متأسفانه این فرهنگ غلط وجود دارد که اشتغال فقط زمانی محقق می شود که زن بیرون از خانه باشد و وقت زیادی را در بیرون از خانه سپری کند؛ در حالی که به مشاغل تولیدات خانگی که میتواند باعث ایجاد اشتغال در خانم ها شود ارزش زیادی داده نشده است. برای مثال هایی از این دست میتوان به شبکه های تولید خانه ای که تولیداتی مثل خیاطی و خشک کردن میوه ها و عروسک سازی و ساخت زیور آلات و شیرینی پزی و آشپزی و ... اشاره کرد. که علاوه بر بحث تولید می توانند آنها را به فروش برسانند و از بستر های تبلیغات اینترنتی و فضا های مجازی موجود نیز استفاده کنند. از طرفی اولین اصل برای رواج کالای ایرانی و رونق تولیدات داخلی این است که این فرهنگ سازی ها از داخل خانه ها ایجاد شود و زن در خانه در این زمینه نقش کلیدی و اصلی را دارد و می تواند به عنوان مشوق و ترغیب کننده اعضای خانواده نقش ایفا کند.

حتی ما به عنوان دانشجو می توانیم جهش تولید را از داخل دانشگاه های خودمان شروع کنیم و به تحصیل کردنمان هم به چشم پیشرفت در تولید در آینده نگاه کنیم و هدفمند درس بخوانیم و یا حتی با ارائه پروژه هایی در زمان حال به این روند کمک کنیم. چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحرانی مانند همین بحران کرونا همه مردم چه زن و چه مرد هر چه می توانند را برای گذر از این بحران به کار می گیرند؛ مانند کاری که در ۸ سال دفاع مقدس پشت جبهه ها و یا در خود جبهه نبرد انجام میدادند؛ و تحقق شعار سال نیز منحصر به جنسیت خاص و یا فقط به دست کار خانه دار ها و تولید کنندگان بزرگ نیست و هرکس در هر جایگاهی که قرار دارد باید برای تحقق آن تلاش کند.



# سخن سردیگر

فرناز اینانلو

ورودی ۹۶ مهندسی نساجی

کرونا ویروس نام آشنای این روزهای دنیا، چند ماهی است که مهمان سفره ماه هم شده...

سی سالی میشود که بحران، اختلال، وضعیت قرمز، مناطق سفید، آمار کشته شده ها، شلوغی بیمارستان ها و سفیدی ماسک ها را کمتر از اخبار دیده بودیم.

بعد از جنگ تحمیلی شاید این دومین بحران قابل لمس کشوری باشد که البته اینبار دامنه صدماتش جهانی شده است؛ ویروس کوچکی که عزیزان زیادی را از میان ما برده، نه تبعیض جنسیتی قائل شد و نه مقام و مسئولیت برایش اهمیتی داشت.. پزشک، پرستار، نماینده، پدر، مادر، فرزند و..

به کل دنیا کار ندارم اما، در همین خیابان های نام آشنای ایران خودمان، این روزها صحنه های زیبایی هم در کنار بحران ثبت کرده ایم.

در اینجا بنا بر رسالت نشریه مان به دنبال زنان قهرمان رفته ایم..

خط مقدم جنگ کرونا اگرچه شاید در بیمارستان ها باشد اما، قهرمان هایش را در همه جا میتوان دید؛ چه پرستاری باشی که عاشقانه به عشق هموطنانت روزها به دور از خانه و خانواده، در دل بحران خدمت کنی و چه مادرانه عشق و آرامش را به محیط بحران زده خانهات تزریق کنی.

عکس های بیرون آمده از فعالیت های این روزها، دست کمی از خاطرات دفاع مقدس ندارد. زنانی که در مساجد، مدارس و خانه ها گرد هم آمده اند و لباس جنگ امروز را می دوزند. عده ای مواد ضد عفونی بسته بندی می کنند و برخی برای خط مقدم آذوقه و گل و رزق آماده کرده اند..

حواسشان به همسایه درگیر جنگ اقتصادی هم هست، برایش رزمایش همدلی به پا کرده اند..

تجربه غیرمنتظرانه باهم بودن اعضای خانواده در این حجم و زمان، اگرچه ممکن است گاهی تلخ شده باشد و صدای بحث و درگیری بالا رفته باشد اما، طعم خوش کنار هم بودن را نمی توان از آن حذف کرد..

امید به زندگی بیماری که می داند، دل های نگرانی در خانه به انتظار برگشتنش می تپند را نمی توان نادیده گرفت..

بگذارید اینطور بگویم؛ این ویروس منحوس همه گیر جهانی، اگرچه زندگی هایمان را به بحران تبدیل کرده است اما نعمت هایی که شاید گاهی بی تفاوت از کنارش می گذشتیم را دوباره به ما یادآوری کرد. نعمتی مثل سلامت، مثل خانواده!

ارزش های واقعی را مجدد به خاطرمان آورد. حال خوب یاری دادن به دیگران، همدلی و به عشق هم نوع خود بی منت کار کردن، از اصول و دارایی دنیایی برای زندگی دیگران گذشتن، آرامش بعد از توسل و دعای خالص به درگاه خدا..

آری، این ویروس منحوس همه گیر، با همه بدی هایش، انسانیت را در قرن آسمان خراشها و رباتها و مجازی شدن ها دوباره معنا کرد..!

صدای اردیبهشت ماه را با طعم این ویروس منحوس نام آشنا بخوانید..



# بانوی تراز

تبیین و بررسی جایگاه و نقش زن در بحران ها

فاطمه سادات هوشمند میرحسینی  
ورودی ۹۷ مهندسی هوافضا

بار دیگر یک بحران، راوی شخصیت والای او شد. پرده های انفعال ذهنی را کنار زده و اینبار قوی تر از هر زمان، نقش آفرینی می کند. بله، مادری را می گویم که چند شب است، دخترکش انتظار ادامه ی قصه ی پر رمز و راز دوران کودکی مادر را می کشد. اما مادر، این روزها در بیمارستان است و ادامه ی قصه ی زندگی اش را می سازد. تا آنجا برایش تعریف کرده بود که مادر بزرگ، ساک پسرش را بست و او را از زیر قرآن رد کرد. اشک چشم هایش بدرقه ی راه او شد؛ مادر است دیگر... قرآن را باز کرد: «... يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». جایگاه شخصیت والا و مسئولیت الهی و انسانی اش و نحوه ی روایت راه رسیدن به کمال، او را در این تصمیم مصمم تر ساخت. برایش تعریف کرده بود از کارگاه دوخت لباس برای رزمندگان تا رسیدگی به مجروحان آن روزها؛ از مدیریت خانه و تزیین آرامش تا مدیریت شهر؛ از تاریکی هایی صحبت کرده بود که قرار گیری زنان در موقعیت فعالانه و مثبت، آن را به نقاط نورانی ای بدل کرد.

هم اکنون که بحران کرونا در جوامع بوجود آمده است، پرداختن به روایت انتخاب و استراتژی های زنان برای مهار کرونا در داخل و خارج از خانه، دارای اهمیت است. اقتدار، دانش و آگاهی بعنوان دستاورد دهه های اخیر در زنان، پیامدهای خود را در دایره ی فهم اجتماعی از موقعیت زنانه نمایان می کند. اثربخشی در فضای خانواده، شغل و جامعه، زمانی آشکار می شود که زنان بتوانند نیازهای عینی و موجود در هر کدام از این موقعیت ها را با توانایی های خود تطبیق داده و مدیریت کنند.

این روزها روایت ایفای نقش بانوان از پزشکان و پرستاران و بهیارانی آغاز می شود که با نگاه مسئولیت پذیر و روحیه ای سرشار از عاطفه و توان مراقبتی، کشور را در آغوش خود پرستاری می کنند؛ تا زمانی که به صورت خودجوش و داوطلبانه در مساجد و دیگر مراکز گرد هم آمده و به تولید ماسک و بسته بندی مواد ضدعفونی کننده می پردازند و سایر زنانی که در عرصه ی تعلیم و تربیت و مشاغل دیگر فعالیت می کنند؛ و در کنار این نقش آفرینی ها، مشفقانه در نقش یک مادر و همسر، خانواده را هدایت می کنند و این مهم بیانگر مهارت بانوان در ایجاد نگرش های مثبت و توانمند در خانواده و ایجاد آزمایش روانی جهت حفظ پویایی خانواده و جامعه است.

هر چه این مدیریت را قوی تر احساس کنیم، می توانیم نشانی هم از افزایش سرمایه نوین اجتماعی زنان در جامعه به لحاظ افزایش تحصیلات و آگاهی آنها فرض و استدلال کنیم. در فرهنگ اسلامی ما توانایی زنان در مدیریت همزمان این مسائل، امری بدیهی است و بیان این مطالب جهت یادآوری این مسئله است؛ شاید برخی کج فهمی ها به این دلیل است که مساعدت زنان معمولاً در میدان های اجتماعی کمتر به چشم آمده، در حالی که آنها در هر موقعیتی به فراخور سهم خود، مؤثر و مفید نقش آفرینی کرده اند. البته گاهی هم متأسفانه موفق به پیدا کردن نقش خود در مسائل نمی شوند، که هم به نادیده گرفتن ظرفیت های وجودی شان برمی گردد و هم به تفکرات نادرست رایج در جامعه؛ که با درک درست از این ظرفیت ها می توان به تدریج جایگاه زنان را به شان آنها در فرهنگ اسلامی نزدیک کرد و الگویی عینی از شخصیت والای زن را برای جهانیان به نمایش گذاشت.

درست همانطور که در اندیشه ی مقام معظم رهبری مدظله العالی میخوانیم:

«در انقلاب اسلامی زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، در ساحت حفظ خانواده ی سالم و متعادل و در ساحت ولایت اجتماعی، جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را در هم بشکنند.»

امروز نیز باید بهانه ها را در دستیابی به حد والای این جایگاه، کنار زده و بار دیگر نقش بی بدیل زنان را در جامعه ی اسلامی بیش از پیش نشان داد.



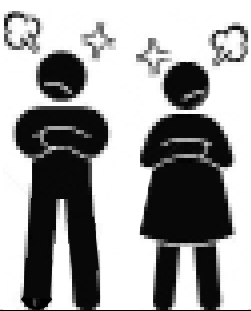


ماجرا خودش را نشان می دهد. البته آمار نقیض هم موجود است، نظرسنجی اخیر ایسنا نشان می دهد اکثر مردم اظهار داشته اند اختلافات خانوادگی در این ایام در آنان افزایش نداشته است.

## چرا زن و شوهر نمی‌توانند بیشتر از یک مدت زمان حضور یکدیگر را درک و یا تحمل کنند؟

بنده صرف پیش هم بودن زن و مرد را باعث تعارض نمی دانم. حتماً زمینه هایی در خود این زوج وجود داشته است یا به طور کل زمینه های فرهنگی اجتماعی پیرامون باعث شده است. مسئله دیگر اینکه شما فرض کنید یک چغمی از تعارض و مشاجره و بحث در جامعه وجود داشته باشد؛ مثلاً من که سرکار میروم یک بخشی از این را ممکن است با همکارم، یک بخشی را ممکن است در مسیر راه تخلیه کرده باشم. اگر من امروز از دنده چپ بلند شدم در مسیر کار با چند نفر در میان گذاشته ام و یک بخشی شب به خانواده، ولی آن مردی که تمام انرژی و تمرکزش در خانه مانده همه این انرژی بدون مصرف شدن در محیط خانواده مانده حالا شما یک جرقه زمینه تعارضی هم به آن اضافه کنید، حتماً و حتماً می‌تواند منجر به آن

این شرایط تا کی ادامه پیدا میکند و این بی ثباتی و تغییر و پیچیدگی تا کی خواهد بود. مجموعه اینها به افراد فشارهایی را وارد می کند. موضوع بعدی، این است که افراد ناچار شدند به مدت طولانی در خانه بمانند، خصوصاً آقایان که بیشتر در محیط‌های کار حاضر می شدند، البته خانم ها نیز مجبور شدند در محیط خانه بشینند و این حجم از **ابهام و استرس و پیچیدگی** را داشته باشند؛ در واقع به یک معنایی دست و پنجه نرم کنند. با این همه نمی توانیم بگوییم این استرس خودش ایجاد کننده بحران های خانوادگی است ولی این موضوع دو وجه دارد؛ یکی آنکه حدودی از اختلافات خانوادگی را این اتفاقاتی که عرض کردم می تواند ایجاد کند. شما فرض کنید مادری که نحوه ضدغفونی کردن و شستشوی دست همسرش



# خشونت خانگی، توهم یا واقعیت؟!!

زینب مهدوی  
ورودی ۹۸ مهندسی نساجی

**با توجه به شرایط موجود و اتفاقی که این روزها گریبان گیر جامعه جهانی شده، بسیاری از آقایان ناچاراً منزل نشین شدند، حال گزارش هایی بدست می‌رسد که آمار طلاق و تنش های بین خانواده ها بالا رفته، آیا واقعا این اتفاق افتاده؟ و خانه نشین شدن آقایان تاثیری روی زندگی ها داشته؟**

شرایطی که در آن هستیم به لحاظ خود بیماری کرونا یک شرایط استرس زایی است و مردم با یک بیماری یا رویدادی مواجه شدند که نسبت به آن در ذهنشان ابهام وجود دارد و برایشان خطرناک به نظر می رسد به علت اینکه دلیل مرگ و میر عده ای از افراد بوده و خواهد بود. همچنین تجربه مشابهی را قبلاً نداشتند که بخواهند خودشان را با آن تطبیق بدهند مثلاً فرض بفرمایید مرگ و میر ناشی از تصادفات در طول سال ممکن است از این بیشتر باشد ولی مردم آن را یکی از رویدادهای عادی دور و اطراف خود می شناسد و به آن عادت دارند. اما این بیماری این گونه نیست و یک تجربه جدید است. همه این موارد این را تبدیل می کند به یک عامل استرس زای بزرگ. این قسمت مستقیم ماجرا است. اگر بخواهیم یک پله آن سو تر را بررسی کنیم، محیط های کسب و کار تعطیل شدند، مدارس تعطیل شدند و اگر باز بشود هم نگرانی هایی پیرامون این موضوع وجود دارد. الان در خانمها نگرانی ابتلا افراد خانواده و نگرانی از آموزش و ابتلا بچه ها است. و در آقایان نگرانی از درآمدها و اینکه چگونه معاش خانواده را تامین کنند. در طولانی مدت افراد نمی دانند که

شود که تنش و دعوا ایجاد شود. البته آن طرف را هم در نظر بگیرید؛ خانواده‌ها به عنوان واحدی هستند که در کنار هم با این شرایط مقابله می‌کنند. خانواده‌ای که در آن زمینه تعارض نباشد اتفاقاً در این شرایط **منسجم تر و محکم تر** میشود. همچنین بیشتر نگران هم بودن و دغدغه هم را داشتن و این بخش ها نیز شاید تقویت بشود. در خانواده‌ای که همیشه عاشقانه دوست داشتند زمان هایی را کنار هم سپری کنند اما هیچ وقت فرصت آن دست نمی داده. چقدر ما مواجه هستیم با خانواده هایی که از این فرصت دارند استفاده خلاقانه می کنند، برای نزدیک تر شدن به هم، برای این که پدر در خانه با بچه ها بازی کند، برای اینکه در کنار هم لذت بیشتری از زندگی ببرند، در کنار هم فرصت با هم بودن را ارج می نهند، اینها هم وجود دارد! یعنی نمی‌خواهم بگویم بودن کنار هم صد درصد باعث تعارض می‌شود ولی آن بافت اجتماعی و در آن زمینه فرهنگی و در آن زمینه اختلاف شناسی بین زوجین بله می‌تواند برود به سمت منفی و در زمینه‌های مثبت می‌تواند اتفاقات مثبتی بیفتد.

## تغییر شیوه زندگی میتواند باعث بروز این مشکلات باشد؟

خود **فرد گرایی** یک روندی دارد که انسانها را یک مقدار بیشتر متوجه خودشان و معطوف به منافع شخصی شان کرده و در نتیجه در خانواده سازگاری افراد را کاهش داده است. به طرق مختلف اینکه من تا چه حد خودم را و زندگیم را صرف خانواده‌ام بکنم، این ما را

را برای اینکه بچه ها و خودش مریض نشوند کافی نمی دانند؛ یا معاشرت های اجتماعی همسرش او را نگران می کند. و یا همسری که تا به حال در خانه حضور نداشته و اکنون نحوه تعامل همسرش با فرزندان، با کارهای خانه را می بیند و ممکن است مداخله‌هایی داشته باشد ولی از همه مهمتر این است که یک تعدادی از افراد، تناقض ذاتی در لایه‌های زیرین زندگی خانوادگی خودشان داشته اند و این تعارضات وقتی که صبح تا شب این آقا سرگرم کار بوده است و این خانم هم سرگرم کارهای خودش بوده به چشم نیامده است، اما اکنون که این دو نفر در یک محیط پر استرس کنار هم قرار گرفته‌اند، می‌تواند به منتهای درجه خودش را نشان دهد. از طرف یک مقدار زمینه های اختلافات جدی در این فراهم می شود. فکر می کنم مدیر کل دفتر مشاوره بهزیستی نیز اشاره‌ای داشته است که تعداد تماس های مراکز مشاوره افزایش پیدا کرده است. البته فرصتی برای ثبت **طلاق** یا شکایت های خانوادگی به خاطر تعطیلی ها فراهم نبوده و این بعد از تعطیلات و این

با یک سوال جدی مواجه کرده، این ها قبل از کرونا هم بودند؛ زوجی که هر دو تک فرزند بودند دیرتر دچار تعارض منافع می شوند تا نسل های قبلی ما که ۶ یا ۷ فرزند در خانواده حس کنار هم زیستن را داشته اند. بحث بعدی این است که این تقسیم کاری که به شکل سنتی در جوامع بین مرد و زن وجود داشته و هر کدام در جایگاه خودشان وقتشان صرف کارهای مربوط به خودشان میشده است. که این در شرایط حاضر تغییر پیدا کرده. یعنی زن و مرد وارد حیطه های کاری هم شده اند و آن مدل تقسیم کار و تقسیم وظایف تغییر پیدا کرده است این خودش می تواند زمینه تعارض را ایجاد کند.

” ما می توانیم در کشور خودمان یک فرصت کرونایی داشته باشیم. در خیلی از خانواده ها زمینه بازنگری، زمینه بازتعریف حضور موثر پدر در خانواده و نقش تربیتی و آموزشی و بازی کردن پدر خانواده های که در این ایام این طعم حضور گرم پدر را چشیده اند بعداً مطالبه کنند که وقت بیشتری در خانواده بگذارد این را به چشم یک فرصت هم می توانیم نگاه کنیم.

## در کشور های دیگر این تغییر زندگی روزمره چطور در ایجاد اصطکاک های خانوادگی تاثیر گذاشته است؟

این مشکلات فقط برای ما نیست، در واقع در همه کشورهای دنیا خصوصاً کشورهایی که قبل از ما کرونا را تجربه کرده اند هم، چنین گزارش هایی داشته اند. اما متأسفانه آمار دقیقی وجود ندارد چون هنوز وسط ماجرا هستیم و آمار دقیقی بیرون نیامده. اما در چین گفته اند بعد از آنکه مراجعه به نهاد های قضایی مجاز شده، آمار به صورت جدی افزایش یافته؛ به دلیل نزاع های خانوادگی و درخواست های طلاق. اینها کشورهایی هستند که قبل از ما درگیر ماجرا شده اند اما ما که هم اکنون وسط ماجرا هستیم و هنوز باب مراجعه کردن باز نشده به طور مشخص نمی توانیم آمار بدهیم اما تنها چیزی که داریم افزایش آمار تلفن ها به شماره مشاور درباره نزاع های خانوادگی است.



## با توجه به عنصر پررنگ خانواده در کشور ما و عدم وجود این عضو در جوامع دیگر، وضعیت ایران برای عبور از این وضعیت را نسبت به سایر کشورها چگونه میبینید؟

بین کشورهایی که الان بررسی میکنیم جایگاه خانواده برای ما مهم تر است. حتی در واقع منسجم بودن خانواده برای مواجهه با بحران های زندگی در کشور ما بیشتر است و این دلخوشی افراد به اینکه اعضای خانواده شان دور و برشان باشند و در کنار آنها بتوانند با شرایط دشواری مواجه شوند وجود دارد. این را به شما عرض کنم که ما می توانیم در کشور خودمان یک فرصت کرونایی داشته باشیم. در خیلی از خانواده ها زمینه بازنگری، زمینه بازتعریف حضور موثر پدر در خانواده و نقش تربیتی و آموزشی و بازی کردن پدر خانواده پررنگ تر شده و شاید این ادامه پیدا کند یعنی خانواده های که در این ایام این طعم حضور گرم پدر را چشیده اند بعداً مطالبه بیشتری کنند که حضور پدر ساعات بیشتری باشد و وقت بیشتری در خانواده بگذارد. این را به چشم یک فرصت هم می توانیم نگاه کنیم اگر ما مواجهه صحیح داشته باشیم. بحث های آموزشی مشاوره ای که فرصتش به صورت مجازی و آنلاین است همچنین در رسانه ملی می تواند اتفاق بیفتد. اگر انرژی بیشتری در این بخش بگذاریم، می توانیم به عنوان یک فرصت برای انسجام خانوادگی استفاده کنیم. اما به هر حال همیشه زمینه تعارض در خانواده ها وجود دارد و قاعدتاً ممکن است در این ایام پراسترس در خانواده این به نهایت خودش برسد. اگر مقایسه کنیم شرایط خودمان را با کشورهای دیگر به نظر من که می آیم با اروپایی ها مقایسه می کنم در کشور ما که عموماً خانواده در کنار هم با این بحران مواجه می شوند تجربه تسهیل شده تری است نسبت به کشورهای که تک به تک با این بحران مواجه می شود؛ صد در صد آسیب ها برای افرادی که تنها و به دور از خانواده با این بحران مواجه می شوند بیشتر است. آمار خودکشی ها و آمار بسیاری از مشکلاتی که برایشان پیش می آید بیشتر است. در نهایت فکر می کنم با وجود آسیب هایی که در خانواده ایرانی بوجود آمده، با همین سرمایه انسجام خانوادگی که برای ما باقی مانده و داریم، زمینه موثر و فعال و کم آسیب پذیرتر در مقابل بحران کرونا است.

## از نظر شما، در این میان آسیب جدی به کدام گروه از افراد خانواده وارد میشود؟

خانواده یک کل واحد است و ما نمی توانیم یک طرفه نگاه کنیم که بگوییم فقط به زنان یا فقط به کودکان یا فقط به مردان آسیب وارد می شود. وقتی که در خانواده تنش صورت می گیرد، همه خانواده تحت تأثیر قرار می گیرد ولی فرض کنید کودکان در یک محیط تنش خانوادگی بدون اینکه امکان و انتخاب و اراده داشته باشند برای اینکه در این خانواده باشند یا نباشند و اصلاً فضا را ترک کنند و یا نکنند تحت تنش هایی قرار می گیرند و حتماً بر آنها اثرات جدی می گذارد. نمی شود قضاوت کرد که به راحتی این ها بیشتر آسیب می بیند لکن اجمالاً این می شود که کودکان بیشتر آسیب می بینند. باید خانواده ها تلاش کنند که اگر مشاجره و بحثی صورت می گیرد بچه ها را از این فضا کمی فاصله دهند و در محیط خصوصی زن و شوهر این اختلافات حل شود که بچه ها آسیب کمتری ببینند. بعضی از خشونت های لفظی که خانم ها ممکن است آسیب بیشتری داشته باشند، ممکن است خشونت فیزیکی در خانواده ها پیش بیاید که آن واقعاً آسیب است و من عقیده دارم که آن موضوعیت ندارد و تعداد کمی از خانواده ها درگیر این تیپ خشونت ها می شوند اما یک خانواده آسیب دیده هستند و بله ممکن است در آن خانواده ها افرادی که به لحاظ قدرت فیزیکی توان کمتری دارند مانند کودکان بیشتر آسیب ببینند که خب در فضای همسایگی و هم محلی ما اغلب این تحمل نمی شود و مداخله صورت می گیرد و نمی گذارند که افراد به این حد برسند.

## راه حل این مشکلات را چه میدانید؟

اول آمادگی های فرهنگی و اجتماعی، این که مردم آماده باشند برای اینکه این شرایط و این سطح از تغییر زندگی و این شرایط جدید چطور مواجه بشوند و اینکه یاد بگیرند تعارضات خود را چگونه حل کنند اینها خیلی سازنده است.

در اینجا یک وجه دیگری مطرح می شود که آیا ما مواجه مان با این قضیه از جایگاه سیاستگذار و از جایگاه افرادی که می خواهند این مسائل را در کشور تجزیه کنند به بهترین نحو بوده یا نه؟ در این شرایط اول از همه اقدامات ایجابی ما از اقدامات سلبی ما خیلی مهم تر است. اقدامات مثبت نگر ما از اقدامات منفی نگر ما خیلی ضریب تاثیر بالاتری می تواند داشته باشد.

” کودکان در یک محیط تنش خانوادگی بدون اینکه امکان، انتخاب و اراده داشته باشند؛ برای اینکه در این خانواده باشند یا نباشند و اصلاً فضا را ترک کنند و یا نکنند تحت تنش هایی قرار می گیرند و حتماً بر آنها اثرات جدی می گذارد.

شما تصور کنید که شماره ای به من معرفی شود که من نگرانی های خودم را در رابطه با این شرایط با آن در میان بگذارم، اگر احساس اضطراب و استرس بیش از حد دارم با آن در میان بگذارم و آنها با مشورت به من کمک کنند و این به من پیامک شود؛ یا اینکه پیامک شود با توجه به شرایط پیش آمده و پراسترس اگر خانواده ها احساس می کنند که نیازی به خدمات مشاوره دارند برای اینکه این شرایط را در

خانواده پشت سر بگذارند، چه در تعامل با فرزندان و چه در تعامل با روابط اجتماعی هر جا دچار مشکل هستند این شماره اعلام شود و با آن تماس گرفته شود. حالا یا فایل هایی در آنجا بارگذاری شود برای سوال های مشترک و یا اینکه عده ای واقعاً جوابگو باشند. این ها اقدامات مثبت نگر است.

عمده مردم ما که به سمت خشونت خانگی نرفته اند، عمده مردم نیاز به این خدمات دارند این خدمات را باید عمومی سازی کنیم. اما از آن طرف می بینیم که این اتفاقات نمی افتد، این اقدامات انجام نمی شود و به جای آن ناگهان شما صبح پا می شوید و یک پیامک دریافت می کنید که اگر خشونت خانگی دارید به این شماره تماس بگیرید تا بیایند برخورد کنند! این خودش به نظر من ضربه مهلکی به خانواده میزند برای خانواده ای که به این حد از اختلاف نرسیده است و دچار خشونت به این معنا نشده ذهنیت اش را به این سمت منفی تر میبرد.

## با توجه به بحث کودک همسری که بیشتر مطرح و آمار منتشر شده از آن مبنای درست و دقیقی نداشت، و صرفاً برای تحقق یکسری اهداف مشخص بود؛ آیا این بحث مطرح شده هم میتواند مربوط به تفکرات فمینیستی باشد؟

بحث خشونت های خانگی خصوصاً در کشورهای مسلمان، ابزار حمله های حقوق بشری و ابزار فشارهای بین المللی بر علیه ما قرار می گیرد. یعنی متأسفانه بیش از آنکه کسی نگران کودکان و یا به طور کل خانواده ها باشد، بیشتر استخراج از این آمار به عنوان یک فاجعه و بروز و ظهور آن، (که بگویند ما کشف کرده ایم این میزان وجود دارد) استفاده میکنند. و متأسفانه نهادهایی که آن را پیگیری می کنند به دنبال اقدامات موثری برای پیشگیری از آن ها نیستند. واقعاً این دو بخش را باید جدا کرد، یعنی ما دلسوز هستیم برای خانواده یا فقط دنبال کشف این هستیم که اطلاعی بدهیم؟! که بله ما کشوری هستیم در شرایط کرونا خشونت خانوادگی مان دوبرابر شده است و خبرسازی و تیتراژ سازی کنیم تا از آن در جهت اشاعه نگاه های فمینیستی ای که داریم بهره برداری کنیم. این دو متفاوت است و به نظرم آنچه که در زندگی مردم موثر است اقدامات پیشگیرانه خواهد بود نه آن اقدامات سلبی و قهری و برخوردی که در انتها به داد خانواده هم نمی شود رسید.

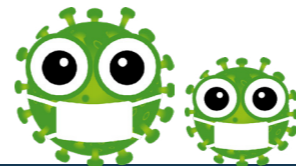


# با خانواده در خانه بمانیم

خانواده، تنها اجتماع برای عبور از بحران قرنطینه

میترا هدایتی

ورودی ۹۷ مهندسی انرژی



اند را هم متأثر کرده است. اهمیت جایگاه خانواده ما را بر آن می دارد تا نگاهی به وضع خانواده در جهان کنونی بیندازیم؛ مفهوم خانواده بنابر کارکردها و وظایفی که دارد مفهومی جهان شمول است. اما در دهه های اخیر به علل مختلفی همچون تمایل به لذت گرایی، فرد گرایی و انحطاط اخلاقی که توضیح بیشتر آن در این مقال نمی گنجد بنیان خانواده دچار تزلزل شده است. همچنین در سده ی اخیر برخی از جنبش ها که از مهمترین آن ها می توان به فمینیسم اشاره کرد، بعضاً با فاصله گرفتن از اهداف اولیه شان به دنبال دستیابی به شیخ آزادی، در جهت نابودی نهاد خانواده گام برداشته اند. با وجود همه اینها اما هنوز در کشورهایی مثل کشور ما که ارزش های اخلاقی و معنوی با تلاش های بسیار پابرجا هستند جایگاه خانواده تا حدودی حفظ شده است. در حالی که غرب با رفتن به سمت الگوهای تک والدی و همجنس گرایی بیش از هر زمانی به مفهوم خانواده ضربه زده است. با این بررسی ها متوجه می شویم که آموزه های فرهنگ غربی آن چنان در جهت فروپاشی نهاد خانواده پیش رفته است که شاید دیگر نتوان از ظرفیت خانواده برای عبور از بحران ها استفاده کرد. در حالی که اگر به جای حرکت در این مسیر نابودی کمی به دنبال تحکیم خانواده گام بر می داشت، دیگر به جای شکل گیری همدلی ها در بستر خانواده شاهد آمار بالای خشونت های خانگی و صف های طولانی طلاق در بحران کنونی نبودیم. در حال حاضر بحران کرونا علی رغم تمام مشکلاتی که برای بشر پدید آورده است اما حقیقتاً چشم بشر را بر بسیاری از حقایقی که شاید قبلاً از پذیرش آنها سر باز زده بود، باز کرده است و فراتر از هر کوششی پوچ بودن نظریه های مبتنی بر فردگرایی و آزادی های بی حد و حصر را نشان داده است. در نهایت امید است که تجارب و آگاهی های به دست آمده از پس این بحران بتواند زمینه ساز تلاش جمعی برای تحکیم بنیان خانواده و بازگرداندن خانواده به جایگاه اصلی شود...

در طول یک بازه می تواند عواقب وخیمی را به دنبال داشته باشد، عواقبی همچون افسردگی، اضطراب و فرسودگی جسمی و روانی و... این حس در کمترین حالت می تواند حساسیت های انسان را بالا ببرد، تا آنجا که هر برخوردی که رنگ و بویی از نادیده گرفتن و دیده نشدن داشته باشد فرد را متحمل رنج و درد بیشتر کند. در حال حاضر دوری از اجتماع بیش از هر زمانی می تواند این حس را در انسان ایجاد کند اما حالا چه راه حلی وجود دارد تا این دوری از اجتماع را برایمان کم رنگ کند؟ شاید اولین پاسخی که از ذهنتان بگذرد، گسترش روابط اجتماعی در فضای مجازی باشد اما با دقت بیشتر متوجه می شویم که گذراندن زمان در فضای مجازی در کنار مزایایی که می تواند داشته باشد، خود می تواند عامل ایجاد و تشدید حس تنهایی در انسان شود. نتیجتاً این ارتباطات در فضای مجازی نه تنها نمی تواند جایگزین کاملی برای تعاملات اجتماعی باشد بلکه بعضاً می تواند اثرات مخربی هم داشته باشد. تا به اینجا شاید به نظر برسد که یکی از بهترین راه حل هایمان برای رهایی از حس تنهایی را با این استدلال از دست داده ایم، اما اگر بیشتر دقت کنیم در می یابیم که راه حلی بهتر از رجوع به خانواده نمی یابیم. اکنون نهاد خانواده می تواند به عنوان یک بستر حمایتی مناسب نه تنها حس تنهایی را از ما دور کند بلکه با ایجاد فضای گرم و صمیمی، احساس امنیت لازم و امید را برایمان فراهم کند. اینجاست که با تامل بیشتر در میابیم که خانواده نه تنها در حال حاضر بلکه در هر بحرانی به عنوان یک اجتماع موثر، نقش به سزایی را اعمال می کند. برای نمونه اگر بخواهیم نقش محوری خانواده برای مقابله با همین بحران کرونا را حداقل در کشور خودمان بررسی کنیم متوجه می شویم که نه تنها انسان ها را از تنهایی و افسردگی ناشی از قرنطینه دور کرده است بلکه با ایجاد بستر حمایتی حتی روند بهبود و درمان اعضای از خانواده که بعضاً به این وپروس مبتلا شده



این روزها به خاطر کرونا مجبور به پذیرش قرنطینه ی خانگی شده ایم و ناگزیر روند زندگی مان را تغییر داده ایم. در شرایط فعلی کاهش تعاملات اجتماعی مان آنقدر چشمگیر است که دیگر حتی نمی توانیم سری به نزدیک ترین دوستان مان بزنیم و تنها می توانیم از راه دور جویای حالشان باشیم. این سبک زندگی آنقدر برای ما جدید است که احتمالاً خیلی هایمان هنوز به آن عادت نکرده ایم. سبک زندگی اجباری که در صورت عدم توجه کافی به عناصرش، می تواند برای ما مشکلاتی پدید آورد. از جمله این مشکلات که می تواند انسان را رنجور و درمانده کند، تجربه حس تنهایی است؛ احساس تنهایی بر خلاف امراض روانی نوظهور زندگی امروزی که گاهاً به دلیل تغییر سبک زندگی ایجاد شده اند متعلق به این دوره از زندگی بشر نیست. سالیان متمادی است که بشر خود را درگیر با آن می بیند. هرچند در موارد محدود، تجربه این حس می تواند باعث برانگیخته شدن استعدادها و ایجاد الهامات درونی شود اما تلاش انسان ها برای فرار از این حس نشان می دهد که معایب آن به غایت بیشتر از محاسنش است. در حال حاضر کارشناسان معتقدند شدت نیاز به داشتن همراه و حمایت در مقابل حس تنهایی به نوعی قابل مقایسه با نیاز انسان به غذا است. برای درک بیشتر این مورد لازم است نگاهی به تاثیرات تنهایی بر انسان بیندازیم؛ بررسی ها نشان می دهد که تجربه حس تنهایی

# آنسوی زندگی مشترک

بررسی نقش و وظایف مردان در زندگی مشترک

سیده ریحانه شرافتی  
ورودی ۹۷ انرژی



به جهت رسوم و فرهنگ‌مان، به جهت پاسخگویی در برابر هجمه های مختلف و به جهت نقش مهم مادر بودنش، تمام فکر و ذکر سخنوران و صاحبان قلم شده است پرداختن به «ویژگی های زن خانواده»، «مادران شایسته کدام اند؟»، «نکات شوهر داری» و... آنچه که در این بین غالب مغفول مانده مسئله ی مهم آموزش مردان برای ازدواج و پذیرش مسئولیت متقابل آنان در زندگی مشترک است. حال با توجه به این شرایط کرونایی که باعث شده مردان زمان بیشتری را با خانواده بگذرانند. فرصتی شد برای پرداختن به این مهم.

در زندگی مشترک، زن و مرد هر دو مسئولیت ۱۰۰ درصدی دارند؛ به یک اندازه و نه یکی. خانواده کانون مقدسی است که بالاترین و با ارزش ترین عشق و محبت های جهان در آن جای دارد و باید از آن محافظت کنیم. و همچنین سنگ بنای جامعه است زیرا محل رشد و پرورش تمام اعضای آن به خصوص نسل های آینده می باشد. هر دو باید از جنبه های حساس و ظریف طرف مقابل محافظت کنند. و در پی پوشاندن عیب ها و کاستی های همدیگر باشند - هُنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ - و کانون خانواده را از سردی و سستی در روابط حفظ کنند. خانواده جایی است که روی نقاط ضعفمان کار کنیم و بهتر شویم، نیاز نیست که بی نقص باشیم. بی شک به غیر از امیرالمومنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)، زن و شوهری را در این دنیا پیدا نخواهیم کرد که از خطا و اشتباه بری باشند. اگر قرار باشد که زوجین در روابط خود با گذشت، چشم‌پوشی و مدارا برخورد نکنند هیچ خانواده ای باقی نخواهد ماند. مسئولیت پذیری، همیاری، درک طرف مقابل، پوشاندن کاستی های دیگران عوض ایراد گرفتن، صبر و گذشت و... ویژگی هایی هستند که باید قبل از ازدواج آن ها را آموزش دید و تمرین کرد. در این زمینه سخنرانی ها، کارگاه ها و کتاب های بسیاری برای زنان وجود دارد اما همان طور که در ابتدا گفته شد این مسئله برای آقایان کم‌رنگ است. کتاب های انگشت شمار در این زمینه، معدود اشخاص و سخنران هایی که به این موضوع پرداخته اند و غیره و غیره. این ها همه نشان دهنده ی این است که این موضوع (همسررداری از جانب مردان) توجه و کار بیشتری را می طلبد.

از اتفاق های مثبتی که در راستای بهبود این خلاء می توانند صورت بگیرند این است که صاحبان قلم وارد این میدان تقریباً خالی شوند و یا اساتید اخلاق و خطیبان به صورت جدی به این موضوع بپردازند.

أَلِجَالِ قِيَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا

در این آیه از مردان تحت عنوان قوام زن نام برده شده. مردان باید قوام باشند، چنان باشند که بتوان به آنها تکیه کرد، صلاح و تدبیر کار را به آنها واگذار کرد و مایه آرامش و امنیت باشند. و چنان امین، عادل، رحیم، صاحب عقل و اندیشه و مومن بالله باشند که به بتوان از آنان اطاعت کرد. مردان ولی زن و بچه هایشان هستند اما این برتری آنها نیست؛ این وظیفه و باری ست بر دوش آن‌ها. شایسته است امانت‌دار خوبی برای پروردگار باشید...

براساس سخن امیرالمومنین در حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه که می فرمایند، مرد (اگر راحت طلب است و تمایلی به تلاش کردن ندارد) ازدواج نکند که ازدواج مسئولیت آور است و (برای سست اندیشه و عملان) دردسر و سختی را دارد.

بسیاری تاملین اقتصاد خانواده را تنها مسئولیت مردان می دانند، با اینکه مسائل مالی نیاز تشکیل یک خانواده و حیاتی است اما، این حیات بدون وجود احساسات و روابط عاطفی خانوادگی برتری از زنده نبودن ندارد. باید در کنار وظیفه اقتصادی، بیشتر به وظیفه همسری و پدری توجه شود. تربیت فرزندان تنها با گفتن پند و جملات آمرانه صورت نمی گیرد؛ آنها از والدین خود الگو برداری می کنند. باید با مادر خانواده با احترام و دوستانه رفتار شود تا احترام ایشان در خانواده حفظ شود. و با رفتار صحیح باید جایگاه و مقام مادر و زن به آنها آموزش داده شود و در مقابل فرزندان به قدری مهربان و با گذشت باشند که گمان کنند آنها هرگز با هم اختلافی ندارند.

زمان هایی که خانم گله می کنند و آقا پاسخی برای اظهارات ناراحتی ایشان داشتند، نگویند. باید دقت داشت که خشمشان لحظه ای بر صبر و تحمل آن ها غلبه نکند! عمل پسندیده تر آن است که ناراحتی را با ناراحتی جواب نداد.

مرد می بایست در امور خانه هم به خانم کمک کند. آیت الله حائری شیرازی در رابطه با این موضوع می فرمایند: «مرد باید سختی های کار خانه را ببیند. باید خودش را جای زن بگذارد. علی علیه السلام می فرمایند: ((زن که خدمتکار نیست، زن گل است.)) مرد وقتی در خانه کار کند مثل جهاد است؛ کمک زنش ظرف بشورد، بچه داری کند، جارو کند و... تمام این ها خروج از شئون خودش نیست که مکروه باشد، عمل به وظیفه شرعیه است و ممدوح. زن هم که در خانه کار می کند، ثواب بزرگی به او می دهند و نمی گویند وظیفه است.»

زندگی مشترک که نقطه شروع یک خانواده است، یک رابطه دو طرفه است. مقتضیات و الزامات زندگی در عصر ما (مثلا مسئله لزوم اشتغال زنان) ایجاب می کند که زنان و مردان نگاه متفاوتی از نسل های پیشین داشته باشند و به طور دیگری به زندگی مشترک نگاه کنند، همکاری بیشتری با هم داشته باشند. باید دو طرف در جهت بهبود زندگی مشترک تلاش بکنند و این تلاش ها خیلی مهم و ارزشمندند چون زیر بنای جامعه را پایه ریزی می کنند.

کرونا با تمام قدرت و ترسناکی اش، یک ویروس است. و باتوجه به تکاپوی جهانی برای نابودی آن، به زودی پادزهر آن نیز پیدا می شود و به تاریخ می پیوندد. اما خانواده، مسئله بسیار با اهمیت تر از کرونا است و اگر به آن به قدر نیاز توجه نشود مخرب تر نیز میشود و البته در مقابل یک خانواده قوی می توانند نقطه قوتی برای جامعه باشد. زیرا این تربیت نسل آینده است که با تاریخ جلو می آید و آینده را می سازد. توصیه های بسیاری در این زمینه وجود دارد اما قدم اول برای حل مشکلات پذیرش آنهاست.





تا کی می‌خواهیم همینطور دست روی دست بگذاریم و شاهد از بین رفتن میراث اصالت‌مان باشیم؛ که قرن هاست ما را با آن میشناسند؟! همین حالا هم مگر چقدر از آموزه های دینمان در زندگی مان باقی مانده؟ چقدر از هویت اصیل ایرانیمان در سبک زندگی مان پیداست؟! اگر با دقت نگاه کنیم میبینیم که خیلی چیزها را کنار گذاشته ایم و این اتفاق آنقدر آرام و بی سر و صدا افتاده که حتی متوجه هم نشده ایم...

باید شروع کنیم...

برگشتن به اصل خودمان و بیشتر از این بیراهه رفتن را می‌گوییم. نمی‌گوییم آسان است، اما آنقدرها هم سخت نیست؛ سخت نیست که استوره هایمان را بشناسیم. سخت نیست باورهایمان را تقویت کنیم. سخت نیست که بیشتر به دنبالشان برویم. ما به آن ها احتیاج داریم... سخت نیست اما عزم راسخ می‌خواهد. عزم راسخ برای شناختن. و همینطور شناساندن.



Real  
1396

البته باید کمک بگیریم؛

اول از خدا و بعد همان هایی که راه را ساخته اند و بلد راه شده اند. تا همه مان دوباره سر به راه شویم... باید کمک بگیریم؛ از سردار سلیمانی شهیدمان و شهید سردار سلیمانی ها، شهید حججی و شهید حججی ها، شهید ابراهیم هادی و شهید ابراهیم هادی ها و همه و همه آن هایی که فراموششان کرده ایم... کشور ما، آینده ما و راه پیش روی ما، انسان های آگاه می‌خواهد. انسان های در مسیر. جوان ها و نوجوان هایی که اسطوره هایمان اسطوره اند. قهرمان هایمان واقعی هستند و راه بلد. جوانانی که امید و انگیزه دارند و برای پیشبرد کشور و ساختن آینده، بهترین الگوها را دارند... جوانانی که همراه با نشاط و معنویت در تمام عرصه های علم و دانش سرآمدند... جوانانی که از الگوهایشان یاد گرفته‌اند که فقط خدا را دارند و فقط برای او باید زندگی کنند...



خلال حظه را بزرگن

شما که در آفرینش هستی، خودت را، کودک را مخاطب قرار میدهند، بدلیل دوست روی نقطه‌ی اصلی حرکت میکنند آن کسی میتواند از کار خود خشنود و از ریشای الهی خاطر جمع باشد که خلأ حظه را پر کند. کار برای کودکان و نوجوانان در حرکات تفریحی، بازی، خلاقیتها، برای کشور و تاریخ است. فریاد



# تلنگر؛

## بچه ها چگونه الگو می گیرند؟؟

بررسی تاثیر الگوسازی و قهرمان سازی بر کودکان و جوانان

مطهره شکرالهی  
ورودی ۹۸ ریاضی

نقش دعوت عملی در سازندگی فرد و جامعه، بسیار مهم و مؤثر است، تا آنجا که حضرت صادق(ع) می فرماید:

«کونوا دعاة الناس بغير ألسنتکم»

«با غیر زبان هایتان مردم را دعوت کنید.»

حتما شنیده اید که می‌گویند: بچه ها آن طور میشوند که ما هستیم نه آنچه که می‌خواهیم...

یعنی اینکه بچه ها توسط دیده ها و شنیده هایشان رشد میکنند؛ توسط رفتار هایی که میبینند و میشوند. حالا چه توسط والدین چه از تلویزیون و رسانه و ...

همیشه از بچه ها انتظار بهترین بودن را داریم. انتظار داریم همیشه کار درست را بکنند. اما حواسمان نیست که اگر بخواهیم کاری را درست انجام دهند، باید برای آن کار الگو های درستی را هم مقابل آنها بگذاریم. نه اینکه با گذاشتن یک الگو پیش چشمانشان، انتظار رفتاری متفاوت از آنچه دیده اند را داشته باشیم.

عصر ما، عصر رسانه و ارتباطات است؛ و خواه و ناخواه رسانه ها پر هستند از انواع قهرمان های خیالی و واقعی... که خیلی هایشان برای کودکان و نوجوانان و جوان های ما به قهرمان و بعضا الگوی زندگی بدل شده اند... الگوهایی که هدف و مقصود از ساخته شدنشان، نه تربیت و تعالی و رشد بوده و نه قصد ترویج فرهنگ خوب و به درد بخوری را دارند. بلکه ساخته شده اند تا با کمک کم کاری و بی توجهی خود ما به اهمیت این مسئله، فرهنگ اصیل و سبک زندگیمان روز به روز بیشتر به فراموشی سپرده شود.

قطعا نه سوپرمن میتواند برای پیشرفت ایران کاری کند و نه سبک لباس و زندگی خواننده های غرب و شرق شبیه فرهنگ ماست!

اما همین ها هستند که از کودکی تا جوانی ما را پر کرده اند!

ما اسطوره کم نداریم، اما کسانی که آن ها را میشناسند خیلی کم‌اند... اصلا اسطوره های ما مظلوم ترین اسطوره های جهان اند...

اسطوره هایی که اگر نام هایمان روی بزرگراه ها و خیابان ها نبود، شاید دیگر اسمشان هم برایمان آشنا نبود.

تأسف اینجاست که ما می‌خواهیم اسطوره هایی را به بچه ها بشناسانیم، که خودمان هم به درستی نمی شناسیمشان...



# مادری که به حسینش پیوست...

زینب مبصر  
ورودی ۹۸ مهندسی عمران

سال ها از دفاع مقدس می گذرد، چه بسا مادرائی که هنوز هم چشم به راه نشانی از فرزندانشان هستند و چه بسیار، مادرائی که در داغ فرزندان خود قامت خمودند و بی صبرانه منتظر دیدار با فرزندانشان هستند.

۱۲ اسفند سالی که گذشت **مادر شهیدان فهمیده** مشتاقانه به دیدار فرزندان شتافت و به مجاهدت خود پایان داد. به راستی که مادران شهدا و رزمندگان یکی از بزرگترین نقش ها را در دفاع مقدس ایفا کردند، نقشی مهم تر از کسانی که با پای خود در این راه قدم گذاشتند.

## کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود...

میتوان اینطور گفت که سرمشق اصلی رفتار تمامی مادران شهدا پس از جنگ، حضرت زینب (سلام الله علیها) است. همانطور که بعد از واقعه کربلا سخنان و رفتار حضرت زینب موثر تر از خون و شهادت واقع گشت؛ (اگر حضرت زینب و خطبه های بی نقصشان نبود تمامی آن وقایع و همینطور دین اسلام به دست فراموشی سپرده می شد و مظلومیت و حقانیت سرور شهیدان و یارانش از یاد می رفت) رفتار مادران شهدا نیز باعث اثرگذاری بیش تر جانفشانی های خالصانه ی فرزندانشان گشت و این اسطوره ها را برای نسل جوان به ارمغان آورد.

جوانی که به جبهه رفت و شهید شد فقط خود او نبود که مجاهدت کرد، پدر و مادر او هم مجاهدت کردند که او رفت. مادری که از ابتدا با تربیت چنین فرزندی مجاهدت خود را آغاز نمود و پس از آن با وجود احساس و وابستگی غیر قابل توصیف میان مادر و فرزند هجرت فرزند خویش را به سوی جبهه ها را تحمل کرد و پس از آن هم شهادت او را هم تحمل می کند و هم افتخار می کند. ما در طول این هشت سال و سال های پس از آن از مادران گله نشنیدیم بلکه به عکس؛ مادر ها را حماسی تر و عاشورایی تر از پدران یافتیم.

هر انسانی که متولد می شود از اولین ساعات زندگی خود تحت مراقبت و تربیت **مادر** قرار می گیرد. پس مادر اولین معلم هر انسانی است. تأثیری که مادر به وسیله رابطه عاطفی و... بر روی فرزند دارد را هیچ کسی حتی پدر، دوست و یا معلم ندارد و همچنین عادت یا تربیتی که در کودکی در انسان نهادینه شود در بزرگسالی هم ماندگار خواهد بود و فقط به وسیله ی یک حرکت عظیم تغییر خواهد کرد. پس حماسه هایی که در این هشت سال آفریده شد، در حقیقت سنجشی برای تربیت صحیح مادران بر روی فرزندانشان بود. فرزندان که با رضایت زینب گونه ی مادرانشان برای دفاع از اسلام رفتند و از جان شیرین خویش دست کشیدند.

حال مادران و نو عروسان آن موقع تربیت یادگاران شهدا را در دست گرفتند تا آن ها نیز ازین تربیت سازنده بهره مند شوند و اینگونه مجاهدات خود را ادامه می دهند تا دوباره خواستگاه مردانی آسمانی شوند.

این وظیفه مادرانه مهم ترین و سازنده ترین شغل هر بانویی است که منجر به تربیت مردان و زنان آینده ساز می گردد و **جهاد ما همچنان ادامه دارد ...**

ای دوست به پیکر شهیدان صلوات

بر قامت بی سر شهیدان صلوات

از دامن زن مرد به معراج رود

بر دامن مادر شهیدان صلوات

آری ما از این موهبت الهی برخوردار بودیم که انسان دیدیم.  
ما یافتیم آنچه را دیگران نیافتند؛

ما همه ی افق های معنوی انسانیت را در شهدا تجربه کردیم؛  
ما ایثار را دیدیم که چگونه تو سل میابد؛ عشق را هم امید را هم زهد را  
هم شجاعت را هم شوق را هم و همه ی آنچه را که دیگران جز در مقام  
لفظ نشنیدند؛

ما به چشم دیدیم؛

ما دیدیم که چگونه کرامات انسانی در عرصه ی مبارزه به فعلیت می  
رسد.

ما معنای جهاد اصغر و اکبر را درک کردیم...

شهید مرتضی آوینی



Anjoman\_Eslami\_Amirkabir



sedaaa\_AUT

